



## من اگر برخیزم،

حمید مصدق

با من اکنون چه نشستن‌ها،  
خاموشی‌ها  
با تو اکنون چه فراموشی‌هاست  
چه کسی می‌خواهد  
من و تو ما نشویم  
خانه‌اش ویران باد  
من اگر ما نشوم، تنه‌ایم  
تو اگر ما نشوی  
خوبشنتی  
از کجا که من و تو  
شور یک‌پارچگی را در شرق  
باز برپا نکنیم  
از کجا که من و تو  
مشت رسوایان را و نکنیم  
من اگر برخیزم  
تو اگر برخیزی  
همه برمی‌خیزند  
من اگر بنشینم  
تو اگر بنشینی  
چه کسی برخیزد؟  
چه کسی با دشمن بستیزد؟  
چه کسی پنجه در پنجه هر دشمن دون آویزد  
دشت‌ها نام تو را می‌گویند  
کوه‌ها شعر مرا می‌خوانند  
کوه باید شد و ماند  
رود باید شد و رفت  
دشت باید شد و خواند  
در من این جلوه اندوه ز چیست؟  
در تو این قصه پرهیز که چه؟  
در من این شعله عصیان نیاز  
در تو دمسردی پاییز که چه؟  
حرف را باید زد  
درد را باید گفت  
سخن از مهر من و جور تو نیست  
سخن از تو  
متلاشی شدن دوستی است  
و عبث بودن پندار سرور آور مهر  
آشنایی با شور؟  
و جدایی با درد؟  
و نشستن در بهت فراموشی  
یا غرق غرور؟  
من اگر برخیزم  
تو اگر برخیزی  
همه برمی‌خیزند

## «آیا خودمدیریتی دموکراتیک و

## شورایی در ایران امکان‌پذیر است؟»

متن سخنرانی بهرام رحمانی، در جلسه کپنهاک،  
16 یونی 2018

دوستان عزیز، من هم به نوبه خودم به همه شما خوش‌آمد می‌گویم. از رفقای کانون اندیشه تشکر می‌کنم که مرا هم به این جلسه دعوت کردند. همچنین از رفیق فرهاد بشارت سپاسگزارم که در این‌جا، بحث تنوریک همه جانبه‌ای را در رابطه با آینده اقتصاد ایران ارائه داد. همان‌طور که قبلاً نیز در آفیش این جلسه آمده است بحث من در این‌جا این است که «آیا خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران امکان‌پذیر است؟»

من به‌عنوان یکی از «هم‌آهنگ‌کنندگان پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»، در مقدمه عرض کنم که این پلاتفرم با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سراسر ایران اعلام موجودیت کرده است. یعنی برای ما، هم جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویی حائز اهمیت است و هم حق و حقوق خلق‌های سراسر ایران و رهایی آن‌ها از این همه تبعیض و سرکوب در دهه‌های طولانی در جامعه ایران. به علاوه این پلاتفرم، خود را حامی همه اقشار محروم و ستمدیده جامعه می‌داند.

تلاش ایدئولوژیک و سیاسی کنونی دولت‌های جهان، هم‌زمان در خدمت سرمایه‌داری و انباشت سرمایه و انباشت قدرت سیاسی است. دستگاه دولتی پیش از آن‌که بر خلاف ادعاهایش توان نمایندگی تمامی طبقات و اقشار جامعه را داشته باشد، با تمام ارگان‌های اجرایی، قضایی، مقننه، آموزشی، امنیتی، ارتش و پلیس و همه و همه حامی و حافظ منافع طبقاتی سیستم سرمایه‌داری است. در این بین، دولت کلیه شهروندان را موظف می‌کند که به‌حاکمیت و قوانین آن، یعنی به‌مناسبات ناعادلانه و بی‌رحمانه سرمایه‌داری احترام بگذارند و اگر کسی دست از پا خطا کند با سرکوب، تبعید، ترور، زندان، شکنجه و اعدام و... سر و کار خواهد داشت.

پرسش بزرگ این است که چرا باید انسان آگاه قرن بیست و یکم و در اوج ارتباطات و آگاهی عمومی، به یک نیروی مافوق جامعه به نام دولت تن در دهد؟

پرسش دیگر این است که در چنین زمانه پیچیده‌ای و در اوج جهانی‌سازی سرمایه‌داری و اوج بربریت دولت‌های سرمایه‌داری، «کنفدرالیسم دموکراتیک» با روابط و مناسبات شورایی و دموکراسی مستقیم می‌تواند جامعه را مدیریت کند؟ آیا در جامعه ایران، چنین سیاستی می‌تواند جایی برای پیشرفت و رشد خود پیدا کند؟

جواب این سئوالات و سئوالاتی از این قبیل، به‌طور ساده این است که چرا ترامپ، مرکل، اردوغان، خامنه‌ای، شیوخ کشورهای عربی، نتان یاهو و غیره می‌توانند دولت خود را به وجود آورند و کل جامعه را مدیریت کنند اما اکثریت شهروندان آگاه جامعه نمی‌توانند جامعه خود را مدیریت کنند؟ در صورتی که این دولت‌ها در بهترین حالت نماینده اقلیتی از سرمایه‌داران و صاحبان صنایع جوامع خود هستند و منافع آن‌ها را در مقابل اکثریت شهروندان جامعه مدنظر دارند. هرچند که فریبکارانه خود را نماینده همه شهروندان معرفی می‌کنند.

ادامه در ص 3



**بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!**

## کمون

## دموکراسی شورائی

فراهم کردن شرایط عملی که تمام گروه‌های اجتماعی، سیاسی، جوامع مذهبی، یا گرایش‌های روشنفکری بتوانند مستقیماً در فرایند تمام تصمیم‌گیری جامعه ابراز بیان کنند، می‌توان آن را دموکراسی شراکتی نامید. 15

## عبداله اوچالان

از زمان کمون پاریس در سال 1871، سازمان‌یابی شورائی مدنظر جنبش‌های سوسیالیستی اروپا واقع شده است. شورا نهاد اجتماعی اصلی در کمون پاریس، انقلاب 1905 و 1917 روسیه و خیزش آلمان در سال 1918 بوده است، زمانی که شورائی کارگران و سربازان تاسیس شدند ولی، در تمام این رویدادها، به‌واسطه قوام گرفتن انقلاب (در خصوص اتحاد شوروی)، یا به خاطر این که ضد انقلاب، شورا (در نمونه‌های کمون پاریس و جنبش شورائی آلمان) را شکست داد، جنبش‌های شورائی خنثی شدند. هنه آرنه، جنبش شورائی را گنجینه کم شده نامید. ۱۶ هنه، بحث می‌کند که شوراها شرکت مردم در فرایند سیاست را زمینه‌ساز می‌شوند، در حالی که سیستم‌های نمایندگی پارلمانی به‌طور ساختاری مردم را از دخالت کردن در سیاست باز می‌دارد. جنبش‌های شورائی یک جزء خودجوش تمام انقلابات و بدیلی در مقابل سیستم نمایندگی بوده‌اند، 17 به‌نظر هنه آرنه، فرایند انقلابی تشکیل خودجوش شوراها از ناهماهنگی جامعه نشأت می‌گیرند. او به ما یادآور می‌شود که بعد از انقلاب آمریکا، تامس جفرسن از فرایند تدوین قانون اساسی آمریکا انتقاد کرد، و گفت انقلاب برای مردم (سفید پوست - مترجم) آزادی آورد، ولی هیچ جانی برای ابراز آزادی شان تعبیه نکرد. 18

ولی، هنه آرنه دخالت دادن مسائل اجتماعی را در خودمدیریتی محکوم کرد. در این نکته، یوگن هابرماس او را متهم کرد که نتوانست مفهوم انقلاب را به‌عنوان رهائی طبقات تحت ستم درک کند. 19 در مقابل، روزا لوکزامبورگ شوراها را انقلابی را به‌مثابه تلاشی برای اعطاء قدرت قانون‌گذاری برای طبقات تولیدکننده دانست، شوراها نهادها کارگری هستند و باید کل جامعه را نمایندگی کنند. تفکر روزا لوکزامبورگ می‌تواند همچون یک وزنه تعادل علیه گرایشات تمامیت‌خواهی در جنبش سوسیالیستی عمل کند. 20 به دید روزا لوکزامبورگ انقلاب سوسیالیستی نباید از راه کسب قدرت یا بهره‌گیری از ابزارهای سیاسی، بلکه از طریق سازمان‌یابی خودمدیریتی رادیکال تحقق یابد. 21 به‌عقیده روزا لوکزامبورگ زنان، خانواده‌ها و بیکاران نادیده گرفته می‌شوند. 22 در دهه 1970، بحث‌هایی با هدف ایجاد سیاست‌هایی فراسوی دولت، سازمان سیاسی و حزب، یعنی یک ذهنیتی فراتر از مقوله طبقه آغاز شد. 23 در غرب، بدیلی به لیبرال دموکراسی تکامل یافت که الهام‌بخش جنبش جهانی آزادی‌بخش و ضد جهانی شدن سرمایه‌داری نبود. افکار تجدیدنظر طلبانه مایکل هاردت و آنتونیو نگری که فرایند مشارکت مستقیم توده‌ها را رد کردند و بر سیستم نمایندگی پارلمانی تاکید ورزیدند، که در آن ویژگی‌های گرایش رادیکال در میان توده‌ها، از طریق لیبرالیزه کردن نمایندگی شود. 24

اما کنفدرالیسم دموکراتیک، مفهومی است برای دموکراتیزه کردن رادیکال جامعه. برعکس مدیریت متمرکز و کنش بوروکراتیک قدرت. اوچالان می‌نویسد: کنفدرالیسم خودمدیریتی را پیش می‌کشد، که در آن تمام گروه‌های اجتماعی، تمام هویت‌های فرهنگی در جلسات محلی، کنوانسیون‌ها و شوراها ابراز وجود می‌کنند یک چنین دموکراسی، فضای سیاسی برای تمام افشار اجتماعی گشوده و اجازه می‌دهد تا گروه‌های سیاسی متنوع نظرات‌شان را بیان کنند بدین طریق، به‌طور کلی هم‌گرایی و همبستگی سیاسی جامعه را ترویج می‌کند سیاست جزئی از زندگی روزانه می‌گردد. 25

برای نائل شدن به دموکراسی رادیکال، اوچالان می‌نویسد: نقش زنان جایگاه مقدم دارد. واقعیت زنان تا حد زیادی واقعیت جامعه را بازتاب می‌دهد... بنابراین، هیچ جنبشی شانس هستی بخشیدن به یک جامعه آزاد واقعی و پایدار را ندارد، مگر این که رهائی زنان بخش اساسی کنش جنبش باشد. 26 بدین ترتیب، برابری جنسی ستون مرکزی کنفدرالیسم دموکراتیک را تشکیل می‌دهد. برای جنبش آزادی‌بخش کرد، تضاد اصلی اجتماعی در روابط بین زن و مرد لانه کرده است. اکنون، این نظریه به ژرف در جنبش آزادی بخش کردها ریشه کرده است. اگر قرار است که ما یک جامعه بدون دولت بنیاد کنیم، اوچالان می‌گوید: ما باید بر رسم پدرسالاری چیره شویم. این ایده در خودمدیریتی دموکراتیک در تمام سطوح مدیریت محلی، از راه موسسات خودمدیریتی زنان و موسسات مختلط جنسی به مورد اجرا گذاشته می‌شود. (نگاه کنید به فصل 5)

## 304 مفاهیم دموکراتیک

چگونه می‌توان یک سیستم پیشرفته را برپایه خودمدیریتی طرح و پیاده کرد؟ ایده اوچالان چند شکل به‌خود می‌گیرد.

## خودمدیریتی دموکراتیک

خودمدیریتی دموکراتیک به معنای خودمدیریتی کمونی، مردم محلات، به‌عنوان هستی‌هایی ضد مرکزیت‌محوری و با نگرشی از پایین به بالا تعریف می‌شوند؛ کمون مرز سیاسی خودمدیریتی است، واحدی که همسایه‌ها را در هم ادغام می‌کند: اگر ملیت دموکراتیک روح باشد، خودمدیریتی دموکراتیک نماد بدن است.

## کنفدرالیسم دموکراتیک

کنفدرالیسم دموکراتیک هدفش نائل شدن به جامعه خودمدیریت است، یعنی، جامعه‌ای که از راه تشکیل واحدهای خودگردان غیرمتمرکز اداره می‌شود. تشکیل چنین سیستمی نیاز به انقلاب اجتماعی مداوم دارد، که در تمام جنبه‌های ساختار اجتماعی بازتاب می‌شود تمام سازه‌های خود را سامان داده و بنگاه‌ها را خودشان اداره می‌کنند.

ادامه در ص 6

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

سرمدبیر: بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیایی، سارا محمدی، اهون چیاکو، جلال سبزواری، وحید محمدی، امین قضائی، شاهین محمدی، مراد عظیمی و بیژن رنجبر.

\*\*\*

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

\* بهرام رحمانی

امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

\* اهون چیاکو

امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

\*\*\*

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشیست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحاً اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دموکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

## «آیا خودمدیریتی دموکراتیک...»

فلسفه دولت - ملت در سده‌های طولانی، آن‌چنان از سوی طرفداران دولت - ملت تبلیغ و ترویج و بازتولید شده است که نه تنها بسیاری از شهروندان، حتی بسیاری از احزاب سوسیالیست و کمونیست نیز دولت‌گرا هستند. همین دولت‌گرایی به نوعی به جنگ قدرت نیز بین نیروهای راست و چپ جامعه شده تبدیل است. فراموش نکنیم که برخی وقایع تاریخی اثبات کرده‌اند آن نیروهایی که به نام ارزش‌های دموکراتیک شورایی فعالیت خود را آغاز کرده‌اند، هنگامی که به سوی راه و روش‌های دولتی رفته‌اند، با شکست مواجه شده‌اند. یعنی اهداف و برنامه و سیاست‌های آن‌ها، با روحیه جمعی سازگار نبوده است از این‌رو، همواره دچار تشتت و بحران شده و شکست خورده‌اند. این نکته بسیار مهمی است که اکنون بیش از گذشته می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

همه دولت‌های جهانی و منطقه‌ای در تاریخ و امروز، در حفظ قدرت و حکومت خود چه جنایت‌هایی علیه بشریت مرتکب نشده‌اند. نمونه آشنای آن برای ما، حاکمیت چهل ساله حکومت اسلامی است. این حکومت برای حفظ حاکمیت خود، به هر جنایتی متوسل شده است.

هر انسان آگاهی می‌داند که دولت‌ها تاکنونی جهان، چه چپ و چه راست و چه سوسیالیسم موجود و چین به اصطلاح کمونیست امروز، همگی به فکر حفظ منافع خود و قدرت‌شان بوده‌اند و در این راستا، توسط پلیس و ارتش و نیروهای مخفی و علنی امنیتی خود، هرگونه اعتراض بر حق و عادلانه معترضین و حتی منتقدین خود را شدید سرکوب کرده‌اند. بنابراین، دولت در تاریخ بشر، ابزار سرکوب حاکمان بوده است. بنابراین، امروز نیز نمی‌شود انقلاب کرد و از دل انقلاب دولتی به وجود آورد که حافظ منافع کل جامعه باشد. چنین چیزی در تاریخ دیده نشده و پس از این نیز دیده نخواهد شد. پس باید به فکر راه چاره‌ای برای اداره جامعه افتاد.

در عین حال، هر سیاستی که زیربنای ایدئولوژیکی و سیاسی و اجتماعی پدیده دولت - ملت را زیر سوال ببرد هم از دید حاکمان و همه از دید محکومانی که به فکر دولت خودی‌شان هستند، دشمن محسوب می‌گردد.

اتفاقا ما با این شناخت از تاریخ جهان دیروزی و امروزی‌مان و شناخت پدیده دولت - ملت، آن را شدیداً زیر سوال برده‌ایم و یک آلترناتیو نوین و به غایت انسانی و کم درد را در مقابل جامعه ایران قرار داده‌ایم و آن هم مدل کنفدرالیسم دموکراتیک است.

ساختار و فلسفه کلی و عمومی الگوی کنفدرالیسم دموکراتیک، از پایین به بالا، براساس رویکرد انقلابی، متفکر سوسیالیست آزادی‌خواه آمریکایی موری بوکچین است، کسی که با پویایی مشارکتی نیرومندی به اندیشه کمونالیسم (مرام اشتراکی) و دموکراسی رادیکال شکل داد. رفیق عبدالله اوچالان، متأثر از اندیشه‌های بوکچین بود و این اندیشه‌ها را با شرایط منطقه تطبیق داد.

بوکچین، به‌ویژه در کتاب «اکولوژی آزادی»، به تفصیل توضیح می‌دهد که جامعه سلسله‌مراتبی چه‌طور پدیدار شد و بسط یافت، چه مقاومت‌هایی در طول تاریخ در مقابل آن صورت گرفته است، و چگونه می‌توان از شر آن خلاص شد. او لازمه خلاصی از این سیستم‌های سلسله‌مراتبی را برپایی جوامع اکولوژیک دموکراتیک می‌داند.

بوکچین بر این عقیده بود که برای شکل‌گیری این

قلمروهای دموکراتیک، دولت - ملت‌های موجود باید کنار گذاشته شوند و قدرت‌شان به شهروندان در این مجامع تفویض شود. چون چنین مجامعی در ابعاد محلی عمل می‌کنند، برای این‌که بتوانند در قلمرو جغرافیایی وسیع‌تر کارایی داشته باشند، باید در قالب کنفدراسیون به یکدیگر پیوندند. این ایده به‌خودی‌خود ایده‌ای انقلابی است. بوکچین مسیر انقلاب را همین‌گونه ترسیم می‌کرد.

در واقع مدل کمونالیسم و اعتقاد عمیق به توانایی انسان‌ها برای در کنار هم زیستن منبع الهام دموکراتیک جدیدی در روزآوا پدید آورده است.

به این ترتیب، عبدالله اوچالان که حدود 19 سال است در زندان امرالی زندانی است، تلاش کرده بنیادهای سیستمی را پی‌ریزی کند که خودگرانی یا خودمدیریتی دموکراتیک نامیده می‌شود. جدا از هر نامی که بر آن گذاشته شده این سیستم همان سیستم شورایی و مجالس مردمی است که مردم از پایین و مستقیماً بدون در نظر گرفتن ملیت، جنسیت و باورهای سیاسی و مذهبی در مجامع عمومی خود، قوانین مورد نیاز جامعه‌شان را وضع می‌کنند و خودشان هم پیش می‌برند. در واقع در این سیستم دولت وجود ندارد و نمایندگانی که به‌رده‌های بالای ارگان‌های مردمی انتخاب می‌شوند مجری اهداف و سیاست‌های شوراهای و انجمن‌ها و اتحادیه‌هایی‌اند که مردم در مجامع عمومی خود تدوین و تدقیق کرده‌اند.

دست‌یابی به خودگردانی دموکراتیک که بعد سیاسی ملت دموکراتیک است از مهم‌ترین اصول است. ارگان تصمیم‌گیری آن کنگره خلق است که ارگانی دموکراتیک و به‌پیشاهنگی طبقات مردمی است، برخلاف سیستم‌های پارلمانی در دولت‌ملت‌ها که در کنترل طبقه فرادستی و عناصر بورژوا است. بالاترین سطح عمومی نمایندگی جامعه دموکراتیک را نهاد ریاست کل کنفدرالیسم تشکیل می‌دهد و از طریق انتخابات عمومی تعیین می‌شود. همچنین احزاب سیاسی در این سیستم دولت‌محور نیستند و مطالبات اجتماعی بنیاد کار آن‌ها است. این احزاب جامعه را آگاهی می‌بخشند، سازمان‌دهی می‌کنند و آن را مدام در برابر دولت تقویت می‌کنند. دموکراسی در تمام موارد فوق به‌شیوه دموکراسی مستقیم اعمال می‌شود.

بنابراین، هم استثمار شدید نیروی کار و هم تبعیض و ستم ملی در ایران، واقعیت‌های غیرقابل انکاری هستند. هر چند که گرایش‌هاست تلاش می‌کنند از یک‌سو، وجود ستم ملی در ایران و سرکوب مداوم خلق‌های ایران را انکار کنند و از سوی دیگر، برخی گرایش‌هاست چپ نیز به جای ارائه راه حل جدی، همواره شعار «حق تعیین سرنوشت تا سر حد جدایی و تشکیل دولت مستقل خودی» را تکرار می‌کنند و یا جنبش‌های حق‌طلب و آزادی‌خواه مناطق غیرفارس‌نشین ایران را دو دستی به گرایش‌هاست ناسیونالیستی واگذار کرده‌اند. رشد گرایش‌هاست ناسیونالیستی در ایران، محصول سرکوب مداوم خلق‌های ایران توسط حکومت‌های مرکزی دست‌کم در صد سال اخیر است. بنابراین، پلاتفرم جنبش‌ها و خلق‌های ایران، یک سازمان و حزب جدید در میان ده‌ها سازمان و حزب چپ و سوسیالیست نیست، بلکه با هویت و اهداف و سیاست‌های مستقل خود، نه به شکل سنتی سانترالیسم دموکراتیک احزاب چپ، بلکه به شکل شبکه‌ای و شورایی فعالیت دارد. ما تاکنون در جهت شناسایی اهداف و سیاست‌هایمان، چندین کنفرانس برگزار کرده، ده‌ها گفتگوی رادیو و تلویزیونی انجام داده‌ایم. نشریه کمون، ارگان پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، هر دو هفته منتشر می‌شود و تاکنون 7 شماره آن منتشر شده است. همچنین ما با انتشار بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی

بر علیه حکومت اسلامی ایران، از اعتراضات کارگران، زنان، دانشجویان و خلق‌های ایران حمایت و پشتیبانی می‌کنیم. به علاوه به زودی سایت رسمی پلاتفرم فعالیت خود را به زبان‌های انگلیسی، کردی، ترکی و فارسی آغاز خواهد کرد. در واقع ما فعالیت‌هایمان را هم‌زمان در دو عرصه نظری و عملی پیش می‌بریم.

بیش‌ترین تلاش ما معطوف به داخل ایران است. خطاب عمده ما در جامعه ایران، به جنبش‌ها و خلق‌ها، به خصوص نیروهای جوان است.

ما یک جامعه دموکراتیک و شورایی بدون «دولت - ملت» را تبلیغ و ترویج می‌کنیم و هر جا هم امکان دارد به شکل‌گیری شوراهای مجالس عمومی و دیگر نهادهای دموکراتیک فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کمک می‌کنیم.

در خارج کشور هم تلاش می‌کنیم شوراهای هماهنگی در کشورها و شهرها مختلف به وجود آوریم. نهایتاً تا اواخر امسال و یا در ماه‌های آینده سال 2019، کنگره پلاتفرم را برگزار می‌کنیم. به علاوه، ما اعلام کرده‌ایم که حاضریم با همه نیروهای ضدکاپیتالیست، برابری‌طلب، آتارشیست، سوسیالیست و کمونیست علیه حکومت اسلامی ایران با هدف سرنگونی کلیت آن همکاری کنیم.

عضویت در پلاتفرم به افراد محدود نبوده و سازمان‌ها و احزاب چپ و آزادی‌خواه و نهادهای دموکراتیک علاقه‌مند نیز می‌توانند عضو آن شوند. همان‌طور که گفتیم ما شبکه‌ای و شورایی است و از عضویت افراد و نهادهای سازمان‌ها و احزاب ضدسرمایه‌داری که گرایش‌هاست مختلفی از فعالین جنبش‌های اجتماعی، محیط زیست، فمینیسم، سندیکالیسم، آتارشیسم، سوسیالیسم تا کمونیست‌ها را در برمی‌گیرد.

روشن است که برای ساختن یک جامعه واقعا آزاد، دموکراتیک و رهایی از استثمار و بردگی مزدی، اتحاد و مبارزه مشترک همه این نیروهای چپ و برابری‌طلب و آزادی‌خواه و انقلابی همکاری کنیم و هیچ مانعی نه در مقابل خود نمی‌بینیم و نه شرطی و مانعی در مقابل دوستان خود قرار می‌دهیم. علاوه بر این، ما در این مرحله، خودمدیریتی دموکراتیک شورایی را نیز تبلیغ و ترویج می‌کنیم.

مرحله دوم، پس از سرنگونی حکومت اسلامی است که در این دوره نیز ما در مقابل سیاست‌های دولت‌گرا و ملت‌گرا، همچنان بر تاسیس کنفدرالیسم دموکراتیک با رد محکم دولت - ملت، تاکید خواهیم کرد.

\*ادامه این بحث، در شماره بعدی کمون منتشر خواهد شد.



## تجربیات کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه

مراد عظیمی

قانون اساسی نماد دولت-مدنرئیت سرمایه‌داری است، و حال آن‌که قرارداد اجتماعی کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، رابطه بین افراد با جامعه را تعریف می‌کند.

1- مثلی است در انگلیسی، شاه مرد، زنده‌باد شاه، به مصداق این ضرب‌المثل بهار عربی مرد، زنده‌باد بهار روژآوا، سیستم نوین اداره جامعه با شرکت مستقیم مردم. در واقع انقلاب روژآوا انقلاب زنان است.

2- کردستان سرزمین واحدی در جغرافیای موزائیک متصرفات امپراطوری عثمانی بود. در سال 1916، در میانه جنگ جهانی اول، متفقین دریافتند که دولت عثمانی جنگ را می‌بازد. کمیسر امپریالیسم انگلستان و سرهنگ پکتو از امپریالیسم فرانسه متصرفات امپراطوری عثمانی در خاورمیانه را پنهانی بین خود تقسیم کردند. سپس، قدرت‌های فاتح جنگ در کنفرانس «سن رمو» در سال 1920، تقسیم خاورمیانه از سوی دو قدرت امپریالیستی تأیید گردید. کردستان به چهار قسمت تقسیم گردید. کردستان شمالی به ترکیه، کردستان شرقی به ایران، کردستان جنوبی به عراق و کردستان غربی به سوریه ضمیمه گردیدند. مرز بین کردستان سوریه و کردستان ترکیه در امتداد راه‌آهن برلین بغداد تعیین و خط مرزی شهرهای جرابلس و جزیره را بدو پاره تقسیم نمود.

3- سوریه فرانسه تا سال 1946، مستقیماً سوریه را اداره کرد، تا این‌که به سوریه استقلال داد و دولت‌های دست‌نشانده فرانسه به ترتیب بر سوریه حکومت کردند. در سال 1963، افسران حزب بعث با کودتا به قدرت رسیدند، کودتای بعدی در سال 1966، رهبری سنتی حزب بعث را برکنار کرد و بالاخره حافظ اسد در سال 1970، به قدرت رسید و جمهوری عربی سوسیالیستی سوریه اعلام شد. واژه عربی در عنوان جمهوری به این معنا بود که در سوریه غیر از عرب‌ها تبار دیگری زندگی نمی‌کرد. در صورتی‌که، به‌ویژه در کردستان سوریه، غیر از تبار کرد، عرب، ارمنی، آسوری، سیریایک، آرامی، چالدين، ایزدی، چچن و ترکمن ساکن بودند. همین‌طور باورهای مذهبی مسیحی، علوی، سنی، ایزدی و اسماعیلیه در سوریه وجود داشتند. دولت جمهوری عربی سوسیالیستی سوریه، وجود کردها در روژآوا، هم مرز با کردستان ترکیه را تهدیدی به امنیت‌اش مشاهده کرد. در این زمان، در جنگ سرد بین دو بلوک شرق و غرب، ترکیه به‌عنوان عضو ناتو از طرف بلوک غرب و سوریه از جانب شوروی حمایت می‌شد. دولت بعث سوریه نقشه ادغام و یا «اسی‌می‌زیشن» کردها را طرح کرد. یکی از مقامات حزب بعث در این زمان بیان کرد زنگ‌های خطر به صدا درآمدند و باید این لکه ننگ را از دامن ملت عرب پاک کنیم، منظورش کردها بود. دولت بعث سوریه تصمیم به ساختن یک نوار امنیتی به عمق 30 کیلومتر در نوار مرزی شمال سوریه با 30 کردستان ترکیه نمود. چندین هزار روستا را در کردستان ویران

کردند و یا سکنه کرد را از دهات خالی نمودند و مردم عرب را در این دهات اسکان دادند. کردهایی که زمین و کاشانه‌شان را از دست داده بودند مجبور شدند به حلب و شهرهای دیگر به‌ویژه دمشق مهاجرت کنند. مهاجرین کرد اکثراً شغلی غیر از کشاورزی نداشتند و مجبور شدند با بچه‌هایشان که مدرسه را ترک کرده بودند در بخش ساختمانی کارگری کنند. آن عده‌ای که سواد و تحصیلات داشتند استخدام‌شان در مدارس و ادارات دولتی مشروط بر این بود که یکم کرد بودن را انکار کنند، دوم به کردی مکالمه نکنند و سوم سخن چین استخبارات یا سازمان امنیت رژیم بعث گردند.

4- در پی حمله آمریکا و انگلستان به عراق در سال 2003، حزب اتحاد دموکراتیک (پی‌وای‌دی)، با اتکا بر اندیشه‌های اوچالان در حلب تأسیس شد. ولی، پیش‌تر از تشکیل حزب اتحاد دموکراتیک (پی‌وای‌دی)، فعالین جنبش کردستان کمیته‌ها و گروه‌های غیرعلنی تشکیل داده بودند. با تاسی از ابتکارات پ.ک.ک، فعالین کمیته‌ها برای بحث حول رویدادهای سیاسی، دوره‌های آموزش زبان کردی در گروه‌های کوچک تشکیل دادند. دادرسی‌های محلی ایجاد کردند، و مسائل زنان را مورد بحث قرار دادند.

5- اوچالان، با فروپاشی شوروی، اوچالان به بازبینی سوسیالیزم واقعی، «رنل سوشلیزم»، روی آورد. در اواسط دهه 1990 با به بن‌بست رسیدن جنگ بین پ.ک.ک و ارتش ترکیه، اوچالان تغییر استراتژی داد، و مبارزه مسلحانه برای نیل تشکیل دولت ملی کردستان ترکیه را کنار گذاشت و خواستار حل معضل کردها از طریق صلح و مسالمت در درون ترکیه گردید. اوچالان، برای نشان دادن حسن نیت، نیروهای پ.ک.ک خاک ترکیه را ترک کرده و به کوه‌های قندیل در کردستان جنوبی عقب‌نشینی نمودند. اوچالان با ابداع تئوری رز یا گل سرخ بیان می‌کرد همچنان که خار وسیله دفاعی گل سرخ است، نیروهای پ.ک.ک رویکرد دفاعی خواهند داشت، ولی اگر به آن‌ها حمله شد از خود دفاع خواهند کرد. در سال 1999، سازمان سیای آمریکا و احتمالاً با همکاری موساد اسرائیل اوچالان را از کنسولگری یونان در نایروبی پایتخت کنیا نزدیکی و به ترکیه آوردند. ابتدا اوچالان به اعدام، ولی بعد به حبس ابد محکوم گردید، و در جزیره امرالی واقع در دریای اژه به‌عنوان تنها زندانی در سلول انفرادی محبوس شد. بعدها زندانیان دیگری را به‌طور موقت به امرالی آوردند. اکنون 19 سال است که اوچالان در جزیره امرالی در دریای اژه زندانی است. اوچالان در زندان، اقدام به مطالعه ژرف و تحلیل فلسفی، اقتصادی، تاریخی، جامعه‌شناسی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی و به‌ویژه تاریخ بین‌النهرین یا مسوپوتیمیا، و حتی مطالعه در علم فیزیک و کسمولوجی، با استفاده از متدهای بررسی رایج و شیوه دسکورس آنالیزس، یعنی تحلیل نوشتاری، صوتی و زبان اشاره‌ای، کرد.

من به اختصار به چند منبع رجوع اوچالان اشاره می‌کنم. جرالد بیکن، فرانسیس بیکن بانیان متد علمی، اسپینوزا، تامس هابز بانی تئوری دولت مدرنیته-سرمایه‌داری، دکارت، کانت، هگل، مارکس، انگلس، میخائیل باکونین، گوردن چاپلند، هنری لونیز مورگان، ماکس وبر، نیچه، روزالوکزامبورگ، لنین، امانوئل ولرشتاین، فوکولت، آنتونی نگری و ماری پوکچین. میوه تمام نقد و تحلیل‌ها شد کنفدرالیسم دموکراتیک مبتنی بر سه رکن دموکراسی مستقیم، حفظ محیط زیست و آزادی زنان به‌مثابه الگویی برای برون‌رفت از جهنم خاورمیانه. اوچالان استدلال نمود که دولت را نباید تسخیر کرد، بلکه همین الان باید با بنیاد نهادهای مستقیم دخالت مردم در جامعه با انقلاب مداوم وجود دولت را چالش و نفی کرد.

6- حزب اتحاد دموکراتیک روژآوا، پی‌وای‌دی. این حزب از سال 2003 تا 2011 کنش زیرزمینی داشت. جالب است به این نکته اشاره نمود که در این دوره به‌واسطه اختناق و سرکوب دولت بعث سوریه، زنان نقش ارتباطات درون حزبی را پیش می‌بردند. رژیم بعث به نسبت مردان کمتر به زنان مظنون بود. با آغاز جنگ داخلی سوریه در سال 2011 و گشایش فضای آزاد، حزب اتحاد دموکرات به فعالیت علنی روی آورد. حزب به‌موازات بسیج مردم اقدام به تشکیل نیروهای حفاظت مردمی کرد. در دهه‌های 1980 و 1990 هزاران زن و مرد از روژآوا به کردستان ترکیه رفته و به پیکارگران پ.ک.ک پیوسته بودند. اکنون ایشان به روژآوا برگشتند و اقدام به آموزش نظامی و ایدئولوژی جوانان زن و مرد روژآوا نمودند. در ماه جون 2012، حزب اتحاد دموکراتیک قیام کرد و تأسیس خود مدیریتی دموکراتیک در سه کانتون جزیره، کوبانی و عفرین را اعلام نمود. تا سال 2014، نیروهای حفاظت خلقی توانستند حملات جهادی‌های داعش، النصره، ارتش آزاد سوریه و جهادی‌های دیگر را که از طرف ترکیه به‌لحاظ تسلیحات و تدارکات پشتیبانی می‌شدند، شکست داده و بالاخره با آزاد کردن شهر گرس‌پی کانتون‌های جزیره و کوبانی به‌هم وصل شدند.

7- سیستم نوین اداره مستقیم جامعه بر بنیادهای کمون و شورا در روژآوا پیشین و کنفدرالیزم دموکراتیک شمال سوریه امروز.

شورای مردم کردستان غربی. تا ماه اوت 2011، کردهای شمال سوریه تقریباً در شوراها سازمان یافتند. در این ماه، 300 نفر نماینده از روژآوا و مناطق دیگر سازمان یافته سوریه کنفرانسی تشکیل دادند و شورای مردم کردستان غربی را اعلام کردند، تا با ایجاد کمیسیون‌ها و نهادهای هم‌آهنگ‌کننده شورای مردم کردستان غربی را بسط و گسترش دهند. کنفرانس نهادی متشکل از 30 نفر به‌نام «تو- دم» (جنبش دموکراتیک اجتماعی)، را انتخاب کردند. جنبش دموکراتیک اجتماعی، درش به روی تمام مردم و احزاب دموکراتیک باز است؛ هیچ حزب یا ایدئولوژی غیرانطفاپی بر تودم، جنبش دموکراتیک اجتماعی، مسلط نیست.

مقوله شورا. شورا به‌مثابه ارگانی با دو خصلت دموکراتیک و اداره‌کننده، فضای معینی در درون جنبش چپ ناشناخته بوده است. اما، کمون چرا؟ معمولاً واژه کمونیست و کمونیسم در معنای آرمانی مفاهیم مانوسی هستند. ولی، در معنای لغوی به واژگان کمونیست و کمونیسم عطف توجه نشده است. کمونیست یعنی کسی که طرفدار کمون است و کمونیزم طرفداری از کمون. در 200 سال گذشته، چپ با هر درکی برای تحقق کمونیسم مبارزه کرده است، ولی نه سامان دادن کمون با محتوای اداره مستقیم محلات در بطن مدرنیته - سرمایه‌داری.



ادامه در ص 5

## تجریبات کنفدرالیسم ...

کمون واحد پایه‌ای شورا است. در روزآوا چندین هزار کمون و شماری تعاونی سامان یافته‌اند. در این‌جا چهار گونه کمون به اضافه یک نوع کمون حاشیه‌ای تاسیس شده است. یکم، در شهرها معمولاً کمون‌های مختلط از زنان و مردان از 35 تا 70 خانواده را شامل می‌شود. دوم، کمون‌های زنان در شهرها، سوم در دهات کل جمعیت ده یک کمون را تشکیل می‌دهند. چهارم، کمون‌های کشاورزی زنان. این نوع کمون‌ها برای زنان استقلال زندگی و کار خلاق ایجاد کرده‌است. کمون‌های زنان مکانی برای مراد زان با همدیگر و غلبه بر تنهایی و جلوگیری از ناراحتی‌های روحی، یا نقش روان‌درمانی، را ایفا می‌کنند. (الامنت‌ها در انگلستان و کشورهای دیگر اروپا به نوعی نقش کار خلاق و روان‌درمانی کمون را ارائه می‌دهند). بالاخره، گونه کمون حاشیه‌ای از سوی عده‌ای از زنان و مردان گردان انترناسیونالیست به‌عنوان هدیه به مردم روزآوا، مزرعه‌ای ایجاد کرده‌اند. در کمون‌های مختلط حداقل 40 درصد شرکت‌کنندگان باید زن باشد.

کمون صرفاً به معنای نهادی اداره‌کننده نیست. کمون یک پای رهانی زنان، با رعایت احترام به تبار، باور مذهبی، برابری جنسی و تنوع فرهنگ‌ها، ساکنان محله را به هم آورده به زنان و مردان اعتماد به نفس اعطا می‌کند تا دهان باز کرده در بحث‌ها شرکت کنند. از همدیگر یاد بگیرند و به همدیگر یاد بدهند. افراد منفعل دیروز در توان‌شان به انسان‌هایی کنشگر ارتقا یابند. کمون بنا بر نیازها و مشکلات و اقدامات بهین‌سازی محله، یا ده، کمیسیون‌های گوناگون تشکیل داده و وظایفی را به نماینده‌ها محول می‌کند، در صورت تعلل و یا تخطی از اجرای تصمیمات کمون، نماینده یا نماینده‌ها بازخواست و یا برکنار می‌شوند.

شوراها در سطوح ناحیه، شهر و کانتون به ترتیب از نمایندگان نهادهای پایین تر انتخاب گردیده و به نهادهای انتخاب‌کننده پاسخگو هستند. در تمام تشکله‌ها حداقل 40 درصد شرکت‌کنندگان باید زنان بوده و در تمام نهادها باید یک نفر زن و یک نفر مرد به‌عنوان هم‌آهنگ‌کننده، مسئول، یا رییس انتخاب شوند. این اصول پیش‌تر در دهه 1990 در پ.ک.ک به رسمیت شناخته شده بودند.

8- رهانی زنان. در واقع انقلاب روزآوا انقلاب رهانی بخش زنان بوده است. دهه‌هاست در مدرنیته - سرمایه‌داری‌های غرب برابری جنسی مصوبه قانونی گردیده است. اما، هنوز ستم، تحقیر، تجاوز و سوءاستفاده جنسی از زنان، استثمار کار ارزان زنان و کلا شدن بدن زنان رواج دارد. صنعت سکس و پورنوگرافی یک رقم هولناک بیش از 150 میلیارد دلاری است.

بعد از سال‌ها تجاوز و سوءاستفاده جنسی از هنرپیشه‌های زن توسط هاروی واین اشتاین فیلم‌ساز در هالیوود معلوم‌الحال، اخیراً از این دیو سکس گفتگو شد. مطابق با آمار رسمی، که البته کل واقعیت را نشان نمی‌دهد، در انگلستان هر 2 هفته یک زن توسط پارتنر یا پارتنر پیشین خود به قتل می‌رسد، در سال 2017، تعداد وحشتناک 2/1 میلیون مورد خشونت به زنان ثبت شده بود. در مدرنیته - سرمایه‌داری‌های دیگر اوضاع بدتر است. در هندوستان سالانه 21 میلیون نوزاد دختر را می‌کشند. برای اولین بار در روزآوا در تقابل با برابری جنسی صوری در قوانین جوامع

مدرنیته-سرمایه‌داری، سیاست‌های عملی برای رهانی زنان به مورد اجرا گذاشته شدند. موقعیت زنان کردستان سوریه تا پیش از انقلاب روزآوا فرقی با موقعیت زنان در ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه نداشت. تجاوز به دختران و زنان، قتل‌های ناموسی، سنت مردسالاری، احساس شرم و سرافکنگی خانواده زن یا دختر تجاوز شده که ناموس خانواده لکه‌دار شده و نه این‌که از قربانی تجاوززده حمایت کنند. خودکشی قربانیان تجاوز جنسی زیر فشار مذمت خانواده و تحت تاثیر سنت مردساری خودکشی می‌کردند. مردها چهار زن می‌گرفتند. با دخترهای کم سن و سال ازدواج می‌کردند. با هر بهانه و دلیلی بدون کمک مالی، زن و بچه‌ها را ترک می‌کردند. زنان را کتک می‌زدند. انقلاب روزآوا، تمام این ستم بر زنان را جارویز کرد. ازدواج زیر 18 سال و چند همسری غیرقانونی شد. مفهوم ناموس خانوادگی مردسالاری شدیداً به چالش کشیده شد. اگر شوهری زنش را کتک می‌زد و زن شوهرش را می‌بخشید، دادگاه گذشت و عفو زن را تحسین می‌کرد، ولی شوهرش را نمی‌بخشید و او رامحاکمه می‌کرد تا درس عبرتی برای مردان دیگر شود.

برابر با مطالعات و تحقیقات اوچالان در تاریخ گذشته بین‌النهرین، ریشه ستم به زنان با انتقال قهری دوران مادرسالاری با برابری اجتماعی به پدر سالاری با نابرابری اجتماعی به بیش از 5000 سال پیش برمی‌گردد. به یک بیان سمبلیک از اوچالان: اگر با انتقال قهری مادر سالاری به مرد سالاری دولت، نابرابری جنسی و اجتماعی به‌وجود آمد با رهانی زنان دولت و نابرابری از بین می‌رود. چارلز فوریه نیز در اوایل قرن نوزدهم شعار معروف رهانی زنان شرط رهانی جامعه است را سرداد.

در نیمه دوم دهه 1990، در درون پ.ک.ک و در کوه‌های قندیل، دانش زنان، دانش جینیولوجی تاسیس شد. نمونه‌هایی از ادبیات مردسالاری در تحقیر زنان: شوهری که زنش را کتک بزند زن بیش‌تر دوست‌اش دارد، صفت ضعیفه به زن، سلیطه، جای زن در خانه است، زن خانه‌دار. در دانش جینیولوجی ریشه‌های تاریخی ستم به زنان و به‌وجود آمدن فرهنگ و زبان پدرسالاری تحلیل و تلاش می‌شود زبان جدیدی برای زنان خلق گردد.

تشکیل کمون‌های آمیزه از زنان و مردان، سامان دادن کمون‌های مستقل زنان در شهرها و کمون‌های زراعتی زنان، ایجاد تعاونی‌های زنان، تاسیس انجمن‌ها و اتحادیه‌های زنان، تشکیل کلاس‌های آموزشی و آگاهی برای زنان، تاسیس اکادمی‌های آموزشی، هنری و صنفی زنان، تاسیس ایستگاه رادیویی مستقل با پرسنل زنان، انتشار روزنامه زنان با کادر زنان و توزیع‌کنندگان زن و غیره سیاست‌های عملی برای تحقق برابری جنسی بوده است. یکی از فعالین زن یاد می‌کند که در شروع فعالیت‌مان وقتی درب خانه‌ها را زده تا با زنان صحبت کنیم، ابتدا زنان با شک و تردید ما را می‌نگریستند، کم‌کم بیخ‌ها آب می‌شد و به‌دور از چشم همسران‌شان روزنامه زنان را گرفته و کمک مالی نازلی هم می‌دادند.

وقتی زنان با کنش فعالین زن آشنا شدند، کم‌کم علاقه‌مند به شرکت در فعالیت‌های سیاسی گردیدند. یکی از زنان فعال نقل می‌کند که مردها مخالف فعالیت زنان در بیرون از منزل بودند و می‌گفتند زن بیرون برود چشم و گوشش باز می‌شود. در مواردی که زنان می‌خواستند پا به بیرون از خانه گذاشته و به جنبش زنان بپیوندند

شوهر با زنش اتمام حجت می‌کرد یا مرا و یا کار سیاسی را انتخاب می‌کنی. زنتی بودند که کار سیاسی را انتخاب کردند. در نتیجه مردها کوتاه آمدند.

نهادهای متنوع اجتماعی محل‌های برابری جنسی، ارتقاء فکری و اعتماد به نفس زنان گردید. در سمینارهای زنان در روزآوا از جنبش فمینیسم غرب انتقاد می‌شود که بدن زنان کالا شده و آن‌ها ساکت نشسته‌اند. بالاخره به این رویداد کفایت کنم. دکتر دیوید گرابر، استاد انسان‌شناس دانشگاه اقتصاد لندن (ال اس ای)، برای مدتی کم‌تر از دو هفته در سال 2015، از روزآوا دیدار کرد. روزی که او روزآوا را ترک می‌کرد، روی به سوی میزبانانش کرد و گفت من شرمندهم شما را از هر سو تحریم اقتصادی کرده‌اند، تقریباً همه چیز به اندازه کافی وجود ندارد. من چیز قابلی نداشتیم برای شما بیاورم. یکی از زنان حاضر در جلسه تودیع دیوید گرابر می‌گوید: دکتر من این حرف را از جانب خودم می‌گویم: زیاد نگران تحریم اقتصادی ما نباشید، من این‌جا چیزی دارم که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را به من بدهد. من این‌جا آزادی‌ام را دارم. امروز و فردا شما به کشورتان برمی‌گردید، که در آن‌جا شما این آزادی مرا ندارید. ای کاش من چیزی را که در این‌جا دارم می‌توانستم آن را به شما بدهم.

9- مسئله ملی ریشه در تبعیض اقتصادی، تباری، باور مذهبی و فرهنگی دارد. الگوی اوچالان برای حل مسئله ملی با اصل عدم تمرکز قدرت، یا مدیریت دموکراتیک‌های محلی با اداره مستقیم مردم نمونه خوبی برای حل مسئله ملی در خاورمیانه و از جمله ایران عرضه می‌کند.

در مدیریت کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، به‌عنوان بخشی از خاک سوریه، با پذیرش دموکراسی و با احترام به برابری گونه‌های تباری، مذهبی، فرهنگی و برابری جنسی، شهروندان زن و مرد در کنار هم مستقیماً جامعه را اداره می‌کنند. تغییر نام روزآوا به کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه به این دلیل بود که در پی آزاد کردن مناطق جدیدی از نیروهای جهادی، به‌ویژه داعش، رهبری شوراها عاقلانه برای زدودن شبهه کردمحوری، یا کردپاتی، نام روزآوا را به کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه تغییر دادند. برای نمونه، بعد از آزاد کردن منبج، طبقاً، رقه، پایتخت داعش، مناطق شرق دیر الزور و غیره با اکثریت مردم عرب از طرف مردم این مناطق با نظم شورایی اداره می‌شوند.

10- نیروهای حفاظت خلقی مردان و زنان، پی وی جی و پی وی جی. این نیروها مستقل از تعلق سیاسی به حزبی از شوراها دستور می‌گیرند. نیروهای خلقی زنان و مردان از کردها و تبارهای دیگر مردم ساکن روزآوا تشکیل شده است. مردان و زنان داوطلبانه بعد از گذراندن دوره‌های آموزش نظامی و ایدئولوژیک بر پایه اداره مستقیم جامعه، و با تاکید بر برابری جنسی وارد صفوف نیروهای حفاظت خلقی، یا پی وی جی و پی وی جی، می‌شوند. اینان عموماً بدون دریافت حقوق ماهانه، زن و مرد برای رهانی از مدرنیته - سرمایه‌داری جان بر کف مبارزه می‌کنند.

تنها افراد متاهل نیروهای حفاظت خلقی برای معاش خانواده شان حقوق ماهانه‌ای دریافت می‌کنند. از اواسط سال 2015، متعاقب پیوستن بخشی از نیروهای عرب مخالف دولت سوریه به نیروهای حفاظت خلقی، برای جلوگیری از گمانه‌زنی نوب شدن مبارزان عرب در بدنه

## تجربیات کنفدرالیسم ...

## مراد عظیمی

اکثریت کرد، نام مبارزان به نیروهای دموکراتیک سوریه تغییر نمود، و در عین حال نام بدنه نیروهای حفاظت خلقی زیر چتر نیروهای دموکراتیک سوریه باقی ماند. همچنین، به پیشنهاد اوجالان از سلول انفرادی زندان، به موازات تشکیل نیروهای دموکراتیک سوریه، شورای دموکراتیک سوریه بنیاد یافت.

یکی از فرماندهان نیروهای حفاظت خلقی زنان یادآور شد که در ابتدای حرکت‌مان برای جلب پیوستن دخترها به نیروهای حفاظت خلقی بعضی از مادران به لحاظ حساسیت‌های جنسی نگران دخترشان بودند، به‌من می‌گفتند من می‌خواهم دخترم در واحد شما بسیج شود، من مجبور می‌شدم با متانت مدت درازی با مادر نگران بحث کرده تا او را قانع کنم، نگران دخترشان نباشد، و نه همچون استخوان لای زخم سنت ناموس مردسالاری چالش نشود.

11- نیروهای آسایش، با آغاز انقلاب روژاوا، یکی از اهداف دموکراسی شورایی جدید، تاسیس نیرویی برای امنیت جامعه بود که با آرمان‌های انقلاب مردم همخوانی داشته باشد؛ و نه مشابه نیروهایی که مانند میلشاه‌های حزبی اقلیم کردستان عراق بلای مردم شده‌اند. در نتیجه، نیروهای آسایش تشکیل شدند. این نیروها از جامعه دفاع می‌کنند، به این دلیل از پلیس که دولت را پاسداری می‌کنند تمایز دارند. آسایش زیر کنترل شوراهای بوده و از شوراهای کسب تکلیف می‌کند. نیروهای آسایش شرائط تامین آزادی‌های دموکراتیک فعالیت افراد در تکتشر جامعه را تامین می‌کنند.

12- سیستم قضایی روژاوا، اصل برانت متهم تا اثبات جرم و زندان نه به‌عنوان وسیله مجازات بلکه مکانی برای اعاده حیثیت از مجرم تعریف می‌شود. روژاوا در سیستم قضایی معاصر نیز نوآوری کرده است. در سیستم قضایی روژاوا دادرسی نه بر اصل مجازات مجرم، بلکه با برگزاری جلسات مشترک با متهم و متهم تلاش می‌کنند به توافقی در چگونگی وقوع جرم برسند. همچنین در مواردی از دادرسی اختلاف بین زن و مرد برای جلوگیری از پس مانده‌های نفوذ مردسالاری در قاضی، کمون زنان بنا به تشخیص‌اش می‌تواند در فرایند دادرسی دخالت کند. در مدرنیته - سرمایه‌داری قاضی با ابهت بالاتر از دیگر حاضرین در صندلی‌اش می‌نشیند. در دادرسی روژاوا همه صندلی‌های دادگاه در یک سطح چیده می‌شوند. مضاف بر اصل تشکیل هیات منصفه که حکم دادگاه را اعلام می‌کند، در مواردی تجربه دادرسی دموکراسی آتن آزمایش می‌شود. در این گونه از دادرسی، حکم را نه هیات منصفه، بلکه شرکت‌کنندگان در جلسه دادگاه با بحث در محتوای دادرسی حکم صادر می‌کنند.

13- آموزش، فرهنگ و هنر، رشد و ترقی دادن فرهنگ تیارهای گوناگون روژاوا یکی از اصول دموکراتیک خودمدرییتی بوده است. اتحادیه فرهنگ و هنر جامعه مدنی با هدف پیشرفت فرهنگ در سال 1988 غیر علنی سامان یافت.

بعد از انقلاب، اتحادیه فرهنگ و هنر جامعه مدنی هدفش این بوده که در تمام شهرهای روژاوا آکادمی‌های آموزشی، فرهنگی و هنری متنوع، تئاتر، سینما، موسیقی، نقاشی، مجسمه‌سازی، گرافیت، عکاسی و غیره را بر پا کند. اتحادیه

فرهنگ و هنر جامعه مدنی، مدارس را توسعه داده و علاوه بر دانشگاه قامیشلو، در کوبانی دانشگاه تاسیس کند. آکادمی زبان تلاش دارد برای اولین بار فرهنگ یا لغت‌نامه جامع کردی تدوین کند. در تمام مدارس با رعایت تنوع زبان محصلین و تعداد آن‌ها آموزش به زبان‌های مادری دانش‌آموزان تدریس می‌شود. آکادمی روشنگری، اینلایتمنت روژاوا، شاید در دنیا بی‌نظیر باشد. این آکادمی در ویلای زیبا با باغ بزرگ مدیرعامل سابق شرکت نفت سوریه در خارج از شهر قامیشلو تاسیس شده است. هر ماه تعدادی زن و مرد با دیدگاه‌های گوناگون، مارکسیست، لیبرال، ناسیونالیست، اصلاح‌طلب و آنارشویست برای مدت یک ماه در آکادمی ثبت‌نام می‌کنند. پرداخت هزینه داوطلبانه بنا به وسع شرکت‌کنندگان و افرادی که استطاعت مالی ندارند مجانی است. آکادمی اطاق در اختیار شرکت‌کنندگان می‌گذارد. به مدت یک ماه زن و مرد با هدایت هم‌آهنگ‌کننده‌ها در جلسات بحث‌های گوناگون شرکت کرده، با هم غذا می‌پزند با هم غذا تناول کرده، با هم ویلا را تمیز و مرتب نموده و در باغ آکادمی باغبانی می‌کنند. بعد از یک ماه این‌ها با دیدگاه‌های جدید به محلات زندگی خود بر می‌گردند.

14- بهداشت و درمان، پیش از انقلاب سیستم مراقبت پزشکی زیر کنترل دولت سوریه بود. معالجه و درمان مجانی بود، ولی خدمات بهداشتی در بعضی از مناطق روستایی خوب نبود. کیفیت بیمارستان‌ها از دهه 1990 تنزل کرده بود. سیاست رفرفرم‌های نئولیبرالی اجازه می‌داد مردم دارا از درمان خصوصی بهتر استفاده کنند. بعد از انقلاب روژاوا، کمیته‌های درمانی جدیدی در سطح نواحی تاسیس شد تا بررسی کنند با فروپاشی محتمل دولت مرکزی، چگونه می‌توانند به ارائه خدمات پزشکی ادامه داده و سیستم درمانی برپایه اجتماعی بنیاد کنند. با فرایند قیام تمام موسسات پزشکی سابق همچنان به خدمات‌شان ادامه داده و پرسنل پزشکی عرب روژاوا را ترک نکردند. با ادامه آزادسازی شهرها، شبکه‌های کمیته‌های بهداشت نشان دادند که نهادهای پر ارزشی بوده و یک حرکت استراتژیک صحیحی را شروع کرده بودند. در هر ناحیه، کمیته‌های بهداشت یک مجلس بهداشتی تاسیس کردند. این مجالس بهداشتی، سیاست پزشکی را هم‌آهنگ می‌کنند. مجالس بهداشتی مهم‌ترین نهادها در تعیین سیاست بهداشتی روژاوا بوده است. شوراهای زنان مواظبت که حضور زنان در این مجالس بهداشتی به نسبت مردان کم‌رنگ نگردد، و مشابه با مردها شرائط کار و فرصت استخدامی داشته باشند.

به علت افزایش زخمی‌های جنگ در سال 2014، درمانگاه‌هایی با ظرفیت پذیرش معالجه بیماران زخمی تا 26 تخت احداث کردند.

در شهرهای کوچک، مراکز کمون‌های درمانی به‌جای بیمارستان‌ها خدمات درمانی عرضه می‌کنند. با ملاحظه تحریم اقتصادی، کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه تلاش دارد در حد توان به همه مردم خدمات درمانی ارائه کند.

گذشته از سیستم بهداشت عمومی، تقریباً هر خانواده‌ای حداقل یک شهید داشته است. همدردی و تلاش برای آرامش روحی روانی خانواده‌های شهید یک عرصه بسیار حساس اجتماعی است. انجمن دیدار با خانواده‌ها و حضور در مراسم یادبود شهدا در گورستان‌ها، مرجمی به زخم دل سوگواران می‌گذارد. کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه، هدف‌اش را تاسیس سیستم

بهداشتی و تحقیق پزشکی کوبا در خاورمیانه گذاشته است.

15- اقتصاد روژاوا، روژاوا عملاً مستعمره دولت جمهوری عربی سوسیالیستی سوریه بوده است. دولت‌های بعث هیچ علاقه‌ای به صنعتی کردن روژاوا نداشتند. نفت در روژاوا استخراج و برای تصفیه به شهرهای عرب‌نشین حمل می‌شد و سپس، فرآورده‌های نفتی را دوباره به روژاوا ترابری کرده و به قیمتی گران به مردم روژاوا می‌فروختند. روژاوا انبار غله سوریه بود. مشابه نفت، گندم روژاوا را به کارخانه‌های آرد شهرهای عربی می‌بردند و سپس آرد را با قیمتی گران به کردها می‌فروختند. در پیامد انقلاب شوراهای توانستند برای اولین بار با امکانات محدودشان نفت خام را تصفیه کرده، و فرآورده‌های نفتی، گرچه با کیفیت نازل تولید کنند. همچنین توانستند کارگاه‌های تولید آرد تهیه کنند. کانتون عفرین، چندین میلیون درخت زیتون دارد. در این‌جا نیز توانستند روغن زیتون تهیه کرده و راه‌هایی برای صدور روغن زیتون تدارک کنند.

کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه از سوی ترکیه، حکومت اقلیم کردستان عراق و دولت سوریه محاصره اقتصادی شده است. ولی، کنفدرالیسم دموکراتیک توانسته است با تکیه بر توده‌های مردم و ابتکارشان جامعه را اداره کنند، هیچ فردی نه بیکار است و نه فردی شب با شکم گرسنه به خواب می‌رود.

\*\*\*

## دموکراسی شورایی

دولت و مرزهای کشوری نقشی در کنفدرالیسم دموکراتیک ایفا نمی‌کنند، برای این که خودمدرییتی جامعه دولت و ملت را زائد می‌کند. دولت - ملت جوی باری از خون راء، در سراسر تاریخ جهان، به‌ویژه در عربی کردن سوریه و ترکی کردن ترکیه، باقی گذاشته است. چرا که، دولت-ملت از طریق هویت‌سازی به یک‌سان‌سازی اجتماعی تکیه کرده و برای اجرا کردنش به قوه قهر متوسل می‌شود. برعکس، کنفدرالیسم دموکراتیک بر زمین تکتشر بنا می‌شود. همچنین، کنفدرالیسم دموکراتیک با فدرالیسم تفاوت دارد، چون که، فدرالیسم یک شبه دولت‌گرایی را پیش فرض می‌گیرد.

## جمهوری دموکراتیک

جمهوری دموکراتیک پس‌مانده دولت - ملت، نقش تضمین کردن حقوقی را ایفا می‌کند تا خودمدرییتی دموکراتیک و کنفدرالیسم دموکراتیک متعین گردد. 27 جمهوری دموکراتیک دموکراتیزه کردن رادیکال دولت ترکیه، سوریه و دیگر کشورها را پیش فرض می‌گیرد.

## مدرنیته دموکراتیک

مدرنیته دموکراتیک بدیل مدرنیته سرمایه‌داری است، جامعه مصرفی هم‌گون کننده و فاقد قدرت دخالت‌گری علیه این مدل ایستاده است، اوجالان مدل سیستم خود حاکمیتی از طریق دموکراسی انبوه مردم را پیشنهاد می‌کند.

## ملت دموکراتیک

مفهوم ملت با ملت - دولت تفاوت دارد. ملت ممکن است، از راه تشخیص عموم مردم، دموکراتیک و موسسات رهانی بخش دموکراتیک، تغییر کند.

\*برگرفته از صفحات 97 تا 100 کتاب انقلاب روژاوا.

## بیانیه پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران:

تروهای حکومت اسلامی در خارج از کشور ادامه یافت، کاظم رجوی در سوئیس، سیروس الهی فرانسه، عفت قاضی در سوئد، حمله مسلحانه به محل زندگی پناهندگان و ترور حسین کشور در پاکستان، غلام کشاورز در قبرس، صدیق کماگر در کردستان عراق، علی کاشفیپور و اکبر قربانی در ترکیه، حمید بهمنی در اتریش، عبدالرحمان قاسملو در شهر وین پایتخت اتریش، صادق شرفکندی، به همراه سه تن دیگر از همراهانش در رستورانی به نام «میکونوس» در برلین در شهریور ۱۳۷۱ بود که با دستگیری تروییست‌های حکومت اسلامی، پرونده پر سرو صادی را به جریان افتاد.

پس از این ترور، تحقیقات قضایی گسترده‌ای به عمل آمد که نزدیک به شش سال به طول انجامید. سرانجام دادگاه آلمان، نه فقط برای اعلان این قتل حکم مجرمیت صادر کرد، بلکه مقامات ارشد حکومت اسلامی ایران، یعنی هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهوری وقت ایران، علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت، علی‌اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و سیدعلی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی ایران را به دست داشتن در این ترور متهم کرد. در نتیجه، رابطه ایران و اتحادیه اروپا بحرانی شد و اعضای اتحادیه با فراخواندن کلیه سفیران خود مراتب اعتراض شدیدشان را اعلام کردند. در قتل‌های معروف به «قتل‌های زنجیره‌ای» در سال ۱۳۷۷، فعالین سرشناس کانون نویسندگان ایران، همچون محمدجعفر پوینده، محمد مختاری، مجید شریف و پیش‌تر ده‌ها نویسنده و همچنین پروانه فروهر و داریوش فروهر فعالین سیاسی در تهران به قتل رسیدند. حکومت اسلامی ایران، با فشار افکار عمومی پذیرفت که این نویسندگان و فعالین سیاسی توسط ماموران امنیتی‌شان به قتل رسیده‌اند اما آن‌ها «خودسر» دست به این ترورها زده‌اند. هیچ‌کس این ادعای سران حکومت اسلامی را باور نکرد و افکار عمومی آگاه جامعه، همچنان انگشت اتهام تروییستی را به سوی کل حاکمیت اسلامی ایران نشانه رفت.

هر چند که حکومت اسلامی ایران، به دلیل بحران‌های اقتصادی و سیاسی و دیپلماسی خود، چند سالی مجبور شد دست از ترور مخالفین خود بردارد اما اخیرا باز دست به ترور مخالفین خود زده است. حدود سه سال پیش یک ایرانی به نام «علی معتمد» (محمد رضا کلاهی) در آمیزه هلند کشته شد. ظاهرا او قبل از کشته شدن، چندین روز تحت نظر بوده است. بر اساس گزارش‌ها مهاجمان حرفه‌ای بودند و پس از ترور، خودروی زدی خود را آتش زدند و هیچ اثری از خود به جا نگذاشتند. مقامات قضایی هلند گفته‌اند که قاتلان برای ترور کلاهی، ده‌ها هزار یورو گرفته بودند.

«احمد مولا ابوناھض»، مشهور به «احمد نیسی»، یکی از رهبران «جنبش آزادی‌بخش الاحواز» بود که روز چهارشنبه ۸ نوامبر ۲۰۱۷، در مقابل منزل خود در شهر لاهه هلند بر اثر اصابت سه گلوله به سرش کشته شده است. نزدیکان وی گفته‌اند او را ماموران امنیتی حکومت اسلامی ترور کرده‌اند. این منابع، همچنین می‌گویند قبلا ایران سعی کرده بود احمد نیسی را از طریق پلیس بین‌الملل به ایران بازگرداند و محاکمه کند.

سعید کریمیان، مدیر گروه تلویزیونی جم (GEM TV) در ترکیه ترور شد. خودروی حامل کریمیان و یک تاجر کویتی همراهش شب ۳۰ آوریل ۲۰۱۷ - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، در استانبول هدف حمله افراد ناشناس قرار گرفت. هر دو سرنشین خودرو به ضرب گلوله مهاجمان نقاب‌پوش کشته شدند.

خبرگزاری رسمی ترکیه، آنتاتولی، گزارش داده بود که مهاجمان، خودروی خود را در منطقه کمربورغاز استانبول آتش زده و گریخته‌اند. به گزارش این خبرگزاری، کریمیان در محل حادثه کشته شده و همراهش در بیمارستان درگذشته است.

سعید کریمیان، اسفند گذشته، به صورت غیابی در ایران به زندان محکوم شد. اتهام او «تبلیغ علیه نظام و اقدام علیه امنیت ملی» اعلام شد. خانواده او به ژنرال گل خبرنگار بی‌بی‌سی در استانبول گفته‌اند که او «در

سه ماه اخیر از طرف حکومت ایران تهدید شده بود و قصد داشت به لندن برگردد.»

سال ۱۳۹۵، روابط عمومی سازمان سینمایی، در مورد پخش تیزرهای فیلم‌های سینمایی از شبکه جم بی‌بی‌ئی متنتر کرد که در آن آمده بود: «پس از گفتگو و توافق‌های انجام شده با قوه محترم قضاییه و با توجه به تذکرات متعدد و اعلام مسنولان عالی‌رتبه قضایی، همکاری با شبکه‌های معاند، معاونت در جرم تلقی می‌شود.»

تروییسم دولتی حکومت اسلامی ایران، لیستی هم از بمب‌گذاری علیه اشخاص و مراکز خارجی در پیشینه خود دارد که برای نمونه می‌توان به انفجار کامیون بمب‌گذاری شده با ۹۰۰ کیلو مواد منفجره در مقابل سفارتخانه آمریکا در 29/01/1362 بیروت اشاره کرد که در آن ۶۳ نفر کشته و بیش‌تر از ۱۲۰ نفر زخمی شدند. همچنین بمب‌گذاری در مرکز یهودیان در آرژانتین در سال ۱۳۷۳ که ۸۵ نفر در آن کشته شدند. انفجار تروییستی منطقه الخبر سعودی در سال ۱۳۷۵ که موجب کشته شدن ۱۹ سرباز آمریکایی و زخمی شدن ۴۰۰ نفر را در پی داشت.

دادستانی آرژانتین سال ۲۰۰۷ برای برخی تر مقامات ایرانی از جمله رفسنجانی حکم جلب بین‌المللی صادر کرد. تعداد زیادی از فعالان سیاسی کرد و اعضای احزاب کردستان ایران در اقلیم کردستان توسط حکومت اسلامی ترور شده‌اند.

«ابوالقاسم مصباحی» یکی از پایه‌گذاران وزارت اطلاعات و امنیت حکومت اسلامی ایران، اعترافات و شهادت خود در دادگاه فدرال آلمان به‌عنوان شاهد، در خصوص ساختار تصمیم‌گیری ترور میکونوس و سایر ترورها، گفته است: تصمیم‌گیری در رابطه با قتل دگراندیشان در داخل یا خارج کشور در ابتدا برعهده شخص «آیت‌الله خمینی» بود ولی پس از فوت وی شورایی به نام «شورای امور ویژه» به ریاست «علی خامنه‌ای» تأسیس شد، که اعضای ثابت آن عبارتند از: «علی اکبر هاشمی رفسنجانی»، «علی اکبر ولایتی»، «علی فلاحیان»، «ری شهری»، «فرمانده سپاه پاسداران وقت»، «محسن رضانی»، «رئیس نیروهای انتظامی» وقت، سرتیپ «رضا سیف‌اللهی» و «آیت‌الله خزعلی»، «عضو شورای نگهبان» که در آن زمان وظیفه برنامه‌ریزی و حذف مخالفان و دگراندیشان را برعهده داشته‌اند.

بی‌تردید حکومت اسلامی ایران، تا روزی که بر جامعه ایران حاکمیت می‌کند از تروییسم دولتی، از شکنجه و اعدام مخالفین و نه از تبعیض و ستم بر خلق‌های ایران و همچنین استثمار بی‌رحمانه نیروی کار، دست نخواهد کشید.

اکنون با افزایش اعتصابات کارگری و اعتراضات مردمی و بحران‌های اقتصادی، مخصوصا سقوط آزاد ارزش ریال و ناکامی‌های مکرر دولت در مهار این بحران‌ها، همچنین تحریم‌های اقتصادی جدید آمریکا علیه ایران، حاکمیت جمهوری اسلامی در بن‌بست قرار گرفته است. فساد ساختاری در حکومت طوری نهادینه شده است که معترضین در شهرهای مختلف ایران، شعار می‌دهند: «یک اخلاص کم بشه، مشکل ما حل می‌شه» سیاست‌های خاورمیانه‌ای حکومت اسلامی و حضور فعال در جنگ داخلی سوریه، جنگ یمن، لبنان، فلسطین، عراق و...، بحران‌های حکومت اسلامی را دو چندان کرده و حتی ایران را در معرض خطر جنگ نیز قرار داده است.

در این میان، کشمکش بین جناح‌های حکومت اسلامی تشدید شده است. در جریان اعتراضات سراسری دی ماه سال گذشته در بیش از صد شهر ایران، پیام صریح و آشکار معترضین این بود که «اطلاطلب اصول‌گرا تمام شد ماجرا» بود. یعنی در همان تاریخ صدها هزار معترض در خیابان‌ها، حکم رفتن حکومت اسلامی را صریحا اعلام کرده‌اند و برای تحقق آن نیز بی‌وقفه مبارزه می‌کنند.

ضمن این که در شرایط کنونی دورنمای روشنی برای خروج اقتصاد ایران از بحران به چشم نمی‌خورد. دور اول تحریم‌های آمریکا تازه از اواسط مرداد و تحریم‌های اصلی مرتبط با نفت و انتقال پول آن از اواسط پاییز - چهارم نوامبر - آغاز خواهد شد. در شرایطی که ایران منابع کافی ارزی و مالی ندارد، اکنون بحث درباره بازگشت کوپن‌ها و سهمیه‌بندی کالاهای اساسی نقل محافل اقتصادی است و راهکار

مدیریتی خاصی جز امنیتی کردن جامعه و اقتصاد توسط حاکمیت ارابه نمی‌شود.

تجربیات تاریخی نشان می‌دهد فروپاشی حاکمیت، عملا به معنای فرو رفتن هر چه بیشتر اقتصاد و در باتلاق رفتن هر پش‌تر حاکمیت است.

لازم به تأکید است که تروییسم حکومت اسلامی ایران، «هیچ مرز و زبان و نژادی را به رسمیت نمی‌شناسد». اساسا برای وزارت اطلاعات و سپاه قدس، زمان و نژاد و مرز اهمیتی ندارد از این‌رو، هر شخص و گروهی که سیاست تروییستی حکومت ایران را قبول داشته باشد با آغوش باز او را می‌پذیرند.

اکنون به‌منظر می‌رسد ارگان‌های امنیتی و سپاه قدس حکومت اسلامی، با هدف آفریدن رعب و وحشت در جامعه ایران و سرکوب اعتراضات‌های کارگری و اعتراض‌های مردمی، با صرف هزینه‌های مادی و سیاسی زیادی، بار دیگر ترور مخالفان را در دستور کار خود قرار داده است. هدف حکومت اسلامی این است که با توسل به رعب، وحشت و ترور، مخالفانش را سرکوب و از میدان به در کند. سپاه قدس سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایران در کشورهای مختلف را به مثابه پوششی برای انجام اقدامات تروییستی به کار می‌گیرد. هر سفارتخانه و کنسولگری ایران بخش ویژه‌ای برای طرح‌ریزی و نظارت و انجام عملیات‌های تروییستی اختصاص داده است. حکم ترور در آخرین مرحله بعد از بازبینی «کمیته ویژه» توسط بالاترین مقامات و مراجع شیعه، صادر می‌شود.

ماشین ترور حکومت اسلامی، لیست بلندی از شخصیت‌های سیاسی و مخالفان را در پرونده خود دارد که بدون شک لکه سیاهی بر پیشانی این حکومت جانی و تبه‌کار است.

در چنین شرایطی، طرح بایکوت سیاسی حکومت اسلامی و تعطیل و دستگیری مقامات و سران حکومت اسلامی، بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد. یکی از مهمترین و پیگیرترین عرصه‌های فعالیت کنسولگری‌ها، سفارتخانه‌ها و سایر مراکز فرهنگی و مذهبی حکومت اسلامی در کشورهای مختلف جهان، جاسوسی و طراحی عملیات تروییستی است.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، تروییسم حکومت اسلامی ایران علیه سازمان مجاهدین و هر فرد و جمع دیگری را شدیداً محکوم می‌کند و در این شرایط حساس، راه برون‌رفت از این وضعیت را در مبارزه و تلاش پیگیر برای تشکیل شوراهای، کمون‌ها، مجامع و مجالس عمومی در کارخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و سایر محیط کار سراسر جامعه ایران، به ویژه در محلات می‌داند تا از هم‌اکنون، زمینه و آمادگی لازم برای یک ساختن یک جامعه آزاد و برابر و انسانی بدون «دولت - ملت» و خودگردان در جامعه ایران، فراهم گردد.

بی‌تردید شهروندان آزادی‌خواه، برابری‌طلب و عدالت‌جوی ایران، باید از همین امروز خود را از جنبه نظری و پراتیکی برای مدیریت جامعه آماده سازند!

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران  
پنج‌م ژوئیه ۲۰۱۸

\*\*\*



## REVOLUTION IN ROJAVA

Democratic Autonomy and Women's Liberation in Syrian Kurdistan

Michael Krupp, Arja Flash and Bryan Arshag  
Translated by Jake Reed. Edited by David Garber

## بیانیه پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران:

### تروریسم حکومت اسلامی غریزی و نهادینه است!

«نیش عقرب نه از ره کین است  
 اقتضای طبیعتش این است» سعدی

در حالی که حکومت اسلامی ایران دچار بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در داخل ایران و بحران دیپلماسی در سطح منطقه و بین‌المللی است باز هم دست از تروریسم خود برنمی‌دارد. چرا که تروریسم دولتی در حکومت اسلامی ایران، به اندازه عمر این حکومت سابقه دارد و غریزی و نهادینه شده است.

شیخ حسن روحانی رییس جمهوری اسلامی ایران، از یکسو در سفر به اروپا، دست و پا می‌زند تا روزنه‌ای برای نجات «برجام» بیابد و به این منظور سفری به سوئیس و اتریش کرده است. اما از سوی دیگر، یک دیپلمات حکومت اسلامی ایران مقیم وین، به جرم کمک به یک زوج که قصد بمبگذاری در همایش مجاهدین خلق ایران در پاریس داشتند، در آلمان (کشور غیر محل خدمت او) دستگیر شده است.

دستگاه‌های اطلاعاتی بلژیک، فرانسه و آلمان، موفق به دستگیری اعضای تیم 6 نفره‌ای شدند که به برنامه‌ریزی برای بمبگذاری در محل کنفرانس سازمان مجاهدین خلق، متهم شده است.

دادستانی فدرال و امنیت ملی بلژیک، روز دوشنبه 11 تیر 1397 - 2 ژوئیه 2018، از خنثی کردن طرح بمبگذاری در گردهمایی روز شنبه 9 تیر سازمان مجاهدین خلق در حومه پاریس و بازداشت دو بلژیکی ایرانی‌تبار در این رابطه در بروکسل خبر داده است.

دادستانی فدرال بلژیک، گفته است که زوج یادشده تابعیت ایرانی - بلژیکی دارند. ترور مخالفان توسط حکومت اسلامی در داخل و خارج کشور، سیاست آشنایی است که با آغاز حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، با هدف حذف فیزیکی مخالفین به کار گرفته شده است.

دولت اتریش هم اعلام کرد که از تهران خواسته، مصونیت دیپلماتیک دیپلمات ایرانی فعال در سفارت این کشور در وین که به ظن به دست داشتن در عملیات نافرجام علیه کنفرانس سازمان مجاهدین خلق دستگیر شده است را لغو کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این درخواست پس از آن ارائه شد که دیپلمات ایرانی مظنون، شنبه در آلمان دستگیر شد.

بنا به گفته سخنگوی وزارت امور خارجه اتریش، وین این درخواست را به سفیر ایران در اتریش ارائه داد که روز دوشنبه پس از اعلام خنثی‌سازی عملیات توسط دستگاه قضایی بلژیک، به وزارت امور خارجه اتریش احضار شد.

پیش از این، منابع اروپایی خبر داده بودند که اسدالله اسدی دیپلمات ایرانی

امیر سعدونی 38 ساله و همسرش نسیمه مومنی 33 ساله، دو شهروند ایرانی - بلژیکی، دو تن دیگر از متهمان این پرونده هستند که دستگیر شده‌اند. این دو نفر، با حکم یک قاضی در شهر «آنتورپ»، روز دوشنبه 2 ژوئیه 2018 به زندان منتقل شدند.

بنا بر اعلام دفتر دادستان بلژیک، پلیس روز شنبه 500 گرم مواد منفجره اسوتین - پیروکسید را در خودروی این افراد کشف و ضبط کرد.

همچنین در این پرونده از «مهرداد آ»، 54 ساله در فرانسه به اتهام همکاری در این طرح بمبگذاری، بازجویی شده است. 2 فرد دیگری که در این زمینه از آن‌ها در فرانسه بازجویی شده، آزاد شده‌اند.

طبق گزارش خبرگزاری‌ها، چند هزار نفر پناهنده‌ای که از کشورهای مختلف به همایش سازمان مجاهدین آورده شده بودند، علاوه بر رهبری این سازمان و هواداران آن، رودی جولیان، شهردار پیشین نیویورک و از مشاوران حقوقی دونالد ترامپ، بیل ریچاردسون، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل، وزیر اطلاعات و امنیت سابق عربستان و شماری دیگر از چهره‌ها و مقام‌های پیشین غربی حضور داشتند. در صورتی که تروریست‌های حکومت اسلامی ایران موفق به اجرای طرح خود می‌شدند یک فاجعه بزرگ انسانی به وقوع می‌پیوست که احتمالاً عواقب سنگین آن را مردم ایران پرداخت می‌کردند.

وزارت امور خارجه حکومت اسلامی ایران، مانند سابق دستگیری این دیپلمات خود در آلمان را سناریویی برای تخریب روابط ایران و اروپا خوانده است.

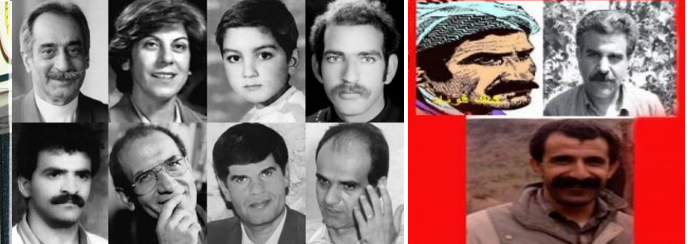
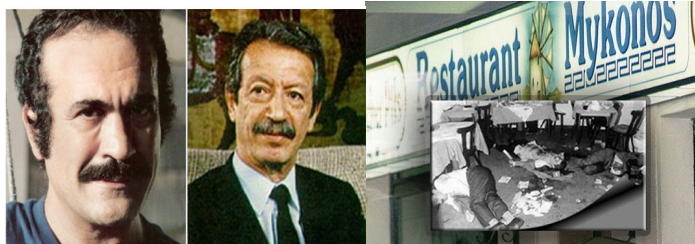
بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران گفته است که مجاهدین خلق در آستانه سفر رییس جمهوری ایران به اروپا و برای تخریب جایگاه ایران در افکار عمومی «مبادرت به برنامه‌ریزی و اجرای سناریوی دیگری کرده‌اند.»

بی‌شرمانه مدعی شده است که افراد بازداشت شده در بلژیک «از اعضای شناخته شده و عملیاتی آن سازمان تروریستی (مجاهدین خلق) محسوب می‌شوند و مقامات ذی‌صلاح ایران آمادگی دارند تا با ارائه اسناد و مدارک لازم در جهت روشن ساختن ابعاد واقعی این سناریوی از پیش طراحی شده گروه مزبور همکاری‌های لازم را به عمل آورد.»

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران که روحانی را در سفر سوئیس و اتریش، همراهی می‌کند در توییتر نوشت: «چه جالب که هم‌زمان با سفر ما (هیئات ایرانی) به همراه رییس جمهوری ایران به اروپا، عملیات ادعایی ایران مطرح و «عاملان» بازداشت شده‌اند. ایران به صراحت خشونت و تروریسم را در همه جا محکوم می‌کند و آماده است تا به تمامی نگرانی‌ها در این زمینه پاسخ دهد.»

حکومت اسلامی ایران در این چهل سال حاکمیت خود، علاوه بر ترور مخالفین خود، همواره حامی و سازمانده تروریسم به ویژه در منطقه بحرانی خاورمیانه بوده است. اگر این حکومت در سال‌های اخیر، همانند دهه‌های نخست حاکمیت خود دست به ترور نزده است نه این که ماهیتش تغییر کرده است، بلکه به دلایل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و دیپلماسی تحت فشار بوده است.

روح‌الله خمینی بنیان‌گذار حکومت اسلامی ایران، هنگامی که قطع‌نامه 598 سازمان ملل را مبتنی بر آتش‌بس جنگ خامنوسوز هشت ساله ایران و عراق را



پذیرفت گفت: «جام زهر را سر کشیدم». اما او این زهر را به زندان‌ها پاشید و دستگاه قضایی و امنیتی حکومت اسلامی در بهار و تابستان 1357، هزاران زندانی سیاسی را با تمام موازین مخفی‌کاری اعدام کردند. خمینی به دلیل این که افکار عمومی جامعه ایران و جهان را از واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی درونی جامعه ایران منحرف سازد رسماً فتوای ترور سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی را صادر کرد. بنابراین، تروریسم هم‌زاد حکومت اسلامی ایران است.

هنوز دو ماه پس از استقرار حکومت اسلامی، نگذشته بود که شهریار شفیق فرزند اشرف پهلوی در آذر 1358 در پاریس ترور شد. متعاقب این ترور، شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی ایران در مرداد 1370 همراه با سرش کتیبه منشی خود در پاریس ترور شد. در مرداد فجع به قتل رسید.

ادامه در ص 7



**سرنگون باد حکومت اسلامی ایران!**